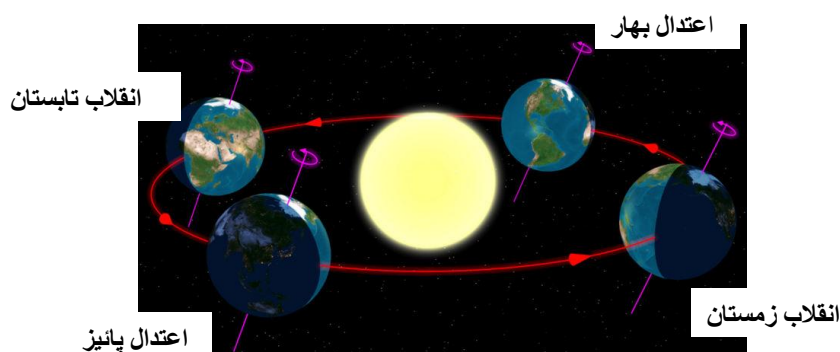


شب یلدا (سی ام آذر برابر با ۲۰ دسامبر) و روز یلدا (اول دی برابر با ۲۱ دسامبر)

نگارش جمشید جمشیدی

شب یلدا آخرین و سی امین شب در ماه آذر، طولانی ترین شب در سال (طول تاریکی پانزده ساعت و ۵۴ دقیقه) بشمار می آید. جشن یلدا در ایران امروز جشنی ملی و مردمیست و هر ساله فارغ از انگاره های گوناگون در باره آن بر گزار میگردد. گو اینکه واژه یلدا^۱ از زبان سُریانی (یک لجه آرامی) و به معنای تولد گرفته شده است، روایات گوناگونی در باره این شب و روز به دنبال آن شده است که به اختصار شرح میدهم.

۱- ریشه شب یلدا یا "شب چله" را میتوان در رویدادهای کیهانی و حرکت خورشید پیدا کرد. خورشید در آخر پائیز به پائین ترین نقطه خود در زاویه ۲۳,۵ درجه جنوب شرقی زمین میرسد (انقلاب زمستان)^۲ که این پدیده باعث کوتاه شدن روز و بلند شدن شب میگردد. ولی از روز اول دی (برج بُز) (زمستان) خورشید به سمت شرق- شمالی جابجا میشود که باعث افزایش تدریجی طول روز و کوتاهی شب میگردد. این دوباره نیرو گرفتن خورشید در بین مردم به زایش دو باره خورشید تعبیر شد و شب یلدا با تمام بلندی آن بعنوان شب زایش گرمی داشته شد (شکل ۱).



شکل ۱- موقعیت خورشید نسبت به گردش زمین

۲- تعبیر های (خرافی^۳) از شب یلدا نیز روایت شده است. در شب یلدا رسم است که مردم هندوانه، انار و آجیل میخورند. خوردن انار از آن جهت است که مردم اجتماعات اولیه ایران باورداشتند در درخت انار روح باروری و زایندهگی وجود دارد، و دانه های فراوان میوه انار نشان از انتقال این روح از درخت به میوه آنست. علامت دیگر باروری و زایندهگی انار شکل گرد آنست که به برجستگی سینه دختران نورسیده شباهت دارد. هندوانه هم که پر از تخمه است نشانه باروری و برکت انگاشته میشده است. خوردن آجیل هم در شب یلدا باز برگرفته از این پندار بوده است، زیرا که در ترکیب آجیل تخمه هندوانه هم به وفور یافت میشود. خوردن دانه های انار، هندوانه و آجیل روح باروری و زایندهگی آن ها را به انسان منتقل میکند. (این

پاراگراف از نوشته عباس احمدی نقل شد)

تعبیر دیگر از تقدس انار و هندوانه رنگ سرخی آن است که در پیش مهریان رنگ مقدس به جهت این

1 Yultide or Yalda

2 Winter Solstice

۳ "خرافه" ظاهراً در روایات نام یک شخص عرب بوده، که اتفاقاً مرد با هوش و دانائی بوده است. چون اطرافیان قادر به درک گفته های او نبوده اند کم صحبت های او را با تمسخر که آقای "خرافه" گفته است با بی اعتنائی می شنیدند. از آن به بعد هر موضوع یا سخنی که از کسی حکایت میشده و فهم آن مشکل می نموده است "خرافه" می نامیدند.

همانی آن ها با خورشید دانسته می شده است. افزون بر آن انار میوه آناهیتا قلمداد می شده است. و آناهیتا پس از فوت زرتشت مادر میترا شماره شده است. آناهیتا خدای باران از منی زرتشت در آب های دریای هامون در سیستان میترا (سوشیانت) را آبتن می شود و او را در غاری زایمان می کند.



آذین بندی درخت سرو در شب یلدا در بین پیروان آیین مهر متداول بوده است. سرو به عنوان نماد آزادی، پایداری و سربلندی بشمار می آمده است که در برابر نیروهای مرگ آور مقاومت نشان میداده است. درخت سرو در طول تاریخ طولانی ایرانیان همواره در ادبیات فارسی الهام آور پایداری و نامیرندگی باقی مانده است و جوانان از خود گذشته و پاک دامان را به جوانان سرو قامت یا سروهای همیشه پایدار تشبیه میکنند.

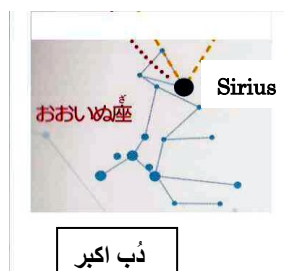
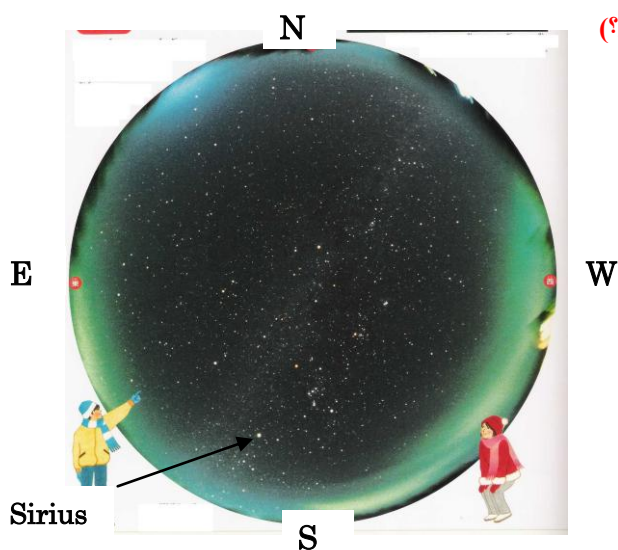
۳- از شب یلدا برداشت های دینی نیز وجود دارد که حائز اهمیتند. چون در فرهنگ های ایران باستان ایزد مهر با خورشید تابناک این همانی داده میشد، شب یلدا به شب تولد مهر (میترا) تعبیر شد. شب یلدا شب زایش خدای مهر، شب پر از شادی و نویدبخش برکت و روشنائی بوده است. مردم شب یلدا را تا طلوع آفتاب به قصد استقبال از آن به خوردن هندوانه، انار و سنجد و آجیل شب زنده داری میکردند. ظاهراً خوردن هندوانه و انار و سنجد بخاطر همسان بودن سرخی آن ها با روشنائی خورشید است. در شب یلدا مردم به بلندی ها و کوه ها میروند تا ستاره ایزد مهر^۴، تیشتر (Tishtry) یا شباهنگ را که در آسمان تاریک

^۴ میترا یا ایزد مهر را با پنج نشانه که همراه داشته است مشخص میکردند. ستاره، خنجر، کمان، کلاه فریجی (یا کلاغی) و کلاغ از نشانه های ایزد میترا بشمار می آیند. مشاهده این نشانه ها در جایی میراث نفوذ آئین و باورهای میترائی یا مهر پرستی را حکایت میکند.

میدرخشد رویت کنند. این ستاره در زاویه ۲۰ درجه جنوب شرقی میدرخشد(شکل ۲).

در این شب سیاهم گم گشته راه مقصود

از گوشه ای برون آی، ای کوکب هدایت..(ستاره مهر یا تیشتر؟)



شکل ۲- تیشتر یا Sirius در زاویه ۲۰ درجه از

جنوب شرقی درست روی نک بینی برج "دب اکبر" رویت میگردد.

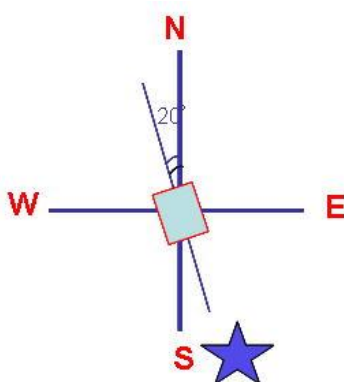
بنای ساختمان ها در جهت رویت سهل این ستاره نشانه اهمیت و گرمیداشت ایزد مهر بوده است(شکل ۳).
به باور برخی از پژوهشگران بنای خود پارسه (تخت جمشید) در زاویه رویت ستاره تیشتر ساخته شده است(شکل ۴).

با گسترش آئین میترائیسم در جهان(به شکل های ۵،۶

۷، ۸، ۹ نگاه کنید)، نفوذ باورهای مهرپرستی در بودیسم

ژاپن نیز بوفور قابل مشاهده است. در قرون ششم و هفتم ساختن

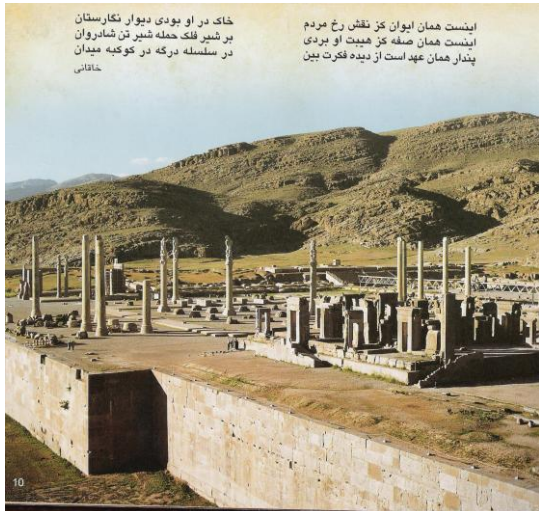
معبدها و قبر سلاطین در جهت روئیت ستاره تابناک میترای در



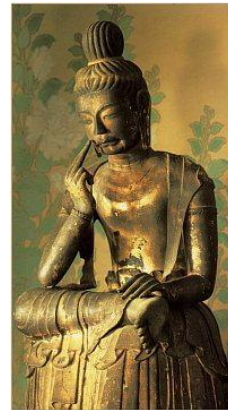
شکل ۳- ستاره میترای(تیشتر)، ستاره ای

که در شب یلدا در زاویه ۲۰ درجه از

جنوب شرقی میدرخشد.



ژاپن رواج داشته است (شکل ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳).
 شهر بابل، آرامگاه تیمور در سمرقند و ساختمان های
 متعدد دیگری در کشورهای آسیای میانه دارای جهت
 مقدس ستاره میترا بوده اند.



شکل ۵- میترای ژاپنی و کره ای
 (弥勒 = Miroku)

شکل ۴- پارسه (تخت جمشید) - پژوهشگر ژاپنی بر این باورست
 که پارسه را نیز در جهت رونیت ستاره میترا ساخته اند. پارسه
 در مجاورت کوه مهر (رحمت) با این فرضیه پیوند دارد.



شکل ۶- میترای غربی (میتراس و بروج دوازدهگانه) - نقش برجسته میترا که در معبد میتراس زیر زمین شهر لندن حفاری شده و
 اکنون در موزه این شهر نگهداری میشود. میترا با کلاه فریجی در حال بریدن رگ گردن گاو مقدس است. میترا سر و صورت خود را
 از ناحیه زخم گاو برگردانده است؛ این صحنه حمل بر اکره خود میترا از این عمل شده است. کانوتس (سروش) با شعل سربالا در
 سمت راست و کانوپاتس (رشن) با مشعل روبه پانین در سمت چپ میترا دیده میشوند. مشعل روبه بالا نشان از طلوع و مشعل رو به

پانین نشان از غروب خورشید دارد. آن دو از دستیاران میترا و همیشه با او همراهند. یک عقرب که از جانوران اهریمنی بشمار می آید به خایه گاو چنگ میزند تا منی گاو را به بلعد؛ منی نشانه زایش است و معمولا به بهشت باز میگردد. یک سگ هم در صدد نوشیدن خون گاو است؛ سگ از حیوانات مقدس بوده که با نوشیدن خون گاو به قدرت و حیات خود میافزاید. در برخی از تندیس ها مار و کلاغ هم که از حیوانات مقدس بشمار می آمدند دیده میشود. در اطراف نقش برجسته میترا مرز بین جهان خاکی و عالم روحانی(سرزمین نور) دیده میشود که با نقوش اشکال بروج دوازده گانه (زودیاک) مشخص شده است.



شکل ۷- میترای شرقی
(قندهار)



شکل ۸- میترای چینی
(弥勒=Mi-lo=
Mithra of Persia)



شکل ۹- میترای عصر حاضر Maitreya که توسط
بنیامین کرمه تبلیغ میشود.



شکل ۱۰- قبر سنگی آقای سوگا(در نارا) که در جهت
درخشش ستاره میترا بنا شد. سوگا کسی است که به همراه
شوتوکوتای شی مکتب بودیسم رابا الهام از میترانیسم
جایگزین مذهب شین توی ژاپن کرد.



شکل ۱۱- معبد قدیمی آسکا(استان نارا) که
توسط سردار سوگا در زاویه رونیت ستاره میترا
ساخته شد.



شکل ۱۲- یک قبر پهناور متعلق به امپراتور (شهر ساکای) که در زاویه رونیت ستاره میترا بنا شده است.



شکل ۱۳- نقش رستم نیز در راستای درخشش ستاره میترا بنا شده است. صحنه دریافت حلقه صلاحیت پادشاهی اردشیر اول موسس سلسله ساسانیان از دست داریوش اول شاه هخامنشی. این حلقه نماد هورامزدا است که پیوند خدانی پادشاه یا وفاداری پادشاه را به خدای خود حکایت میکند.

نقش ستاره میترا در کشف و زیارت حضرت عیسی بوسیله سه خردمند (مغ) ایرانی- حکایت سه خردمند (مغ) شرقی که با راهنمایی ستاره میترا (تیشتر) در شب هنگام بسوی بتلهم به زیارت حضرت عیسی که هنوز نوزادی بیش نبود در کتاب "داستان افرویدیت، زرخدای ایران" به گونه مفصلی آمده است. این زیارت برای اولین بار مخفیانه در زمان هرون پادشاه وقت بتلهم، انجام می گیرد. نقاشی که در شکل ۱۴ معرفی میشود این رویداد تاریخی را خلاصه کرده است. قابل توجه است که حسین بهزاد نقاش مشهور ایرانی (شکل ۱۵) و همینطور داوینچی هر یک تابلوی زیبایی از این رویداد نقاشی کرده اند که معروفیت جهانی دارد.

⁵ A Story of Persian Goddess Aphrodite in Ancient Russian Apocalypses, Russian Christian Humanitarian Institute, St. Petersburg, 1999, Milkor, Vladimir Vladmirovitch- برای مطالعه برگردان فارسی این مقاله به تارنمای زیر نگاه کنید: <http://www.shamogoloparvaneh.com/christstory.html>



شکل ۱۴- نقاشی زیارت نوزاد حضرت عیسی توسط سه خردمند شرقی را با علایم مکتب مهرپرستی نشان میدهد. ستاره راهنمای میترا (تیشتر) به همراه علایم دیگر دیده میشود.



شکل ۱۵ زیارت نوزاد حضرت عیسی بوسیله سه خردمند یا مغ شرقی- نقاشی حسین بهزاد

اگر توجه کرده باشید در حول و حوش روز های جشن کریسمس درخت نمادین کریسمس آراسته به چراغ های فراوان، مزین به یک ستاره نسبتاً بزرگی است که در نوک درخت درخشش چشمگیر دارد (شکل ۱۶). این ستاره همان ستاره هدایت کننده سه خردمند یا مغالی است که از شرق به زیارت عیسی شتابیدند.



شکل ۱۶ درخت نورانی کریسمس مزین به ستاره درخشان در نوک درخت. روایت است که این ستاره سه مغ شرقی را به مکان عیسی در بتلهم هدایت کرده است.

اقتران ماه با خورشید: از کتاب "آثار الباقیه" ابوریحان بیرونی نقل می شود ماه که مرد انگاشته می شده است در این شب طولانی عاشق خورشید که زن انگاشته می شده است می شود و هر روز در پی آن بوده که از خورشید خواستگاری کند. در گیر و دار این هوس با "زهره" درد دل می کند که "زهره" با همدردی از او می خواهد که خود با شجاعت به خواستگاری خورشید خانم کمر بر بندد. بالاخره ماه در این شب یلدا درب خانه خورشید را می کوبد تا از او خواستگاری کند. خورشید از این پیشنهاد استقبال می کند و آن شب در سنت کهن ایران زمین "شب اروسی ماه و خورشید" نام می گیرد.

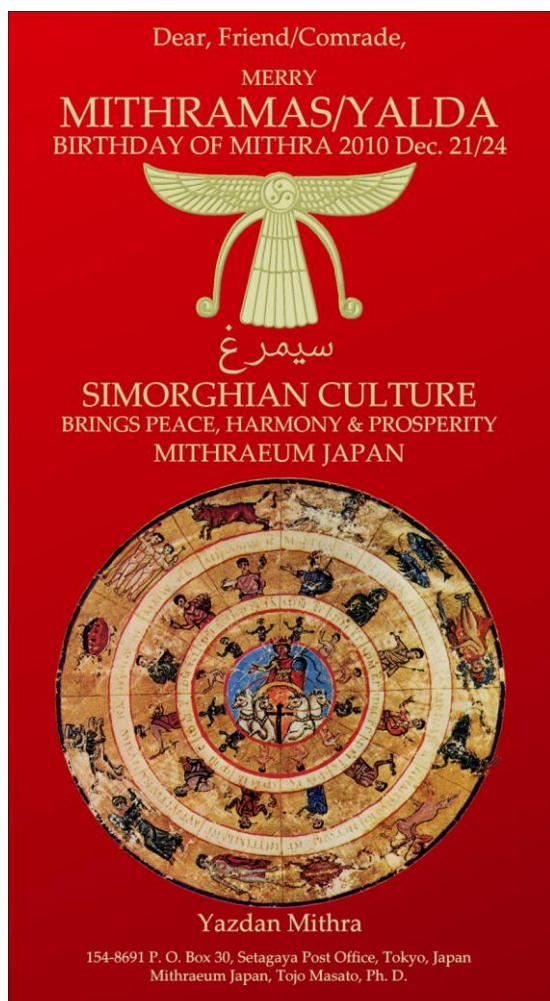
"صحبت حکام شب یلدا": پادشاهان که نسخه زمینی خدای آسمان (خورشید) بشمار می آمدند هر سال در روز اول زمستان تعویض و جوان می شدند. جوانی که قرار است در مسند شاه بنشیند شاه را میکشد و خود با الهام از نوزادی خورشید درخشنده بر کرسی سلطنت جلوس میکند. شاه حلول خدای آسمان و مقدس شمرده می شده است. شاه قبل از این که پیر بشود و از روح خدا تخلیه، او را می کشتند و بخشی از خون او را بر روی زمین جاری می کردند تا سبب سرسبزی و شکوفائی سرزمین بشود. کشتن شاه و جاری کردن خون او بر گرفته از رسم گاوکشی میترا و جاری کردن خون آن قلمداد می شود. در اسطوره میترا هم خون گاو مقدس برای شکوفائی سرزمین بوده است.^(۱)

در غرب بعثت اشتباهات در محاسبه کیبسه ها تولد مهر یا میترا را برابر با ۲۵ دسامبر (بجای ۲۲ دسامبر) قرار داده، و این روز را بعدن به تولد عیسی نسبت دادند. آیا واقعن عیسی در این روز متولد شده است؟، جای بسی بحث است. بر خلاف میترا که موجودی استوره ای و دارای وجه تجربیدی بوده است، عیسی شخصیتی واقعی که تولدش را با روز یلدا یا روز نوزادی خورشید این همانی دادند جای شک و گمانه زنی هائی را باقی میگذارد. مشتاقین این بحث میتوانند در مقاله زیر مطلب را دنبال کنند:

Christmas: Jesus- The sun God, Lies, Deceptions and the Truth- by Fahim A. Knight-

⁶ <http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=49425>

<http://www.wakeupfromyourslumber.com/node/4921>



در انتها نمونه یک کارت تبریک یلدا (Mithramas) را با هم مشاهده کنیم:

تأملی در جشن یلدا. جشن یلدا به عنوان یک رویداد فرهنگی به مانند هر جشن دیگری ناگزیر از ترکیب دو بُعد ظاهری و باطنی است. رسوم و مناسکی که در حین برقراری جشن از جمله خوردن هندوانه و انار و غیره، حال چه بصورت فردی و یا جمعی، تجربه می گردد بُعد رفتاری یا ظاهری این جشن را شکل می دهند. شکی نیست که همین رفتارهای ظاهری مشترک سبب شادمانی، خوشباشی و رفاقت و پیوند هستند. ولی باید توجه داشت که برقراری جشن ها همزمان همراه با بُعد باطنی یا معنایی آن ها می باشند. انگاره ها، احساسات، اندیشه ها و مفهومات که ناگزیر از تأثیر تحولات زمانی و مکانی اند پشتوانه فرهنگی- شعوری این جشن ها را می سازند. خورشید با ویژگی های پذیرفته اش هسته مرکزی الهامات و آموزه های معنوی جشن یلدا را تشکیل می دهد. چون خورشید در انتشار و یا ایثار نور و گرمای حیات بخشش بر روی تمام ذرات کاینات بدون ذره ای تبعیض و جانبه داری پایدارست مورد احترام، عبادت، کرنش و قداست اکثر فرهنگ ها در جهان قرار گرفته است. کمتر فرهنگی را می توان یافت که "ایزد" یا "خدای" خورشید نداشته باشد.^۷ اما نباید فراگیر بودگی

^۷ به دانش نامه انترنیتی "ویکی پدیا" با واژه کلیدی Winter Solstice نگاه کنید:

http://en.wikipedia.org/wiki/Winter_solstice

درخشش خورشید را آن گونه که در برخی از مکاتب دینی و باوری اثنائه داده می شود حمل بر مطلق بودن حقیقت نور و روشنائی دانسته و در نتیجه ظلمت و تاریکی را اهریمنی، ظالم، عامل قساوت و رنج و درد دانست، و در پی پارگی این دو واقعیت از هم برآمد. روشنائی را به انحصار در آورد و تاریکی را در زندان مجرمین محبوس کرد و یا در سیاه چال خانه به چلیب کشید. متاسفانه اشعاری که در وصف شب یلدا سروده شده اند اکثر آن را طولانی، ظلامتی، دردآور و طاقت فرسا توصیف نموده اند. حال آن که بدون این شب روز یلدائی ظاهر نمی شود. این شب مادر آبستن خورشید "ایزد مهر" است. در این شب است که "ستاره مهر" می تابد و نوید زایش او را می دهد. بنابراین بدون تاریکی، خورشیدی در کار نیست. بدون شب، روز امکان ندارد و بدون روز، شبی وجود ندارد.

برای ای صبح مشتاقان، اگر هنگام روز آمد
که بگرفت این شب یلدا ملال از ماه و پروینم.....سعدی

نظر به روی تو هر بامداد نوروزی ست
شب فراق تو هر گه که هست یلدانیست....سعدی

صحبت ی حکام ظلمت شب یلداست
نور ز خورشید خواه، بو که بر آید....حافظ

شعری از هوشنگ ابتهاج(سایه) به مناسبت شب یلدا

چند این شب و خاموشی؟ وقت است که برخیزم
وین آتش خندان را با صبح برانگیزم

گر سوختنم باید افروختنم باید
ای عشق بزن در من کز شعله نپرهیزم

صد دشت شقایق چشم در خون دلم دارد
تا خود به کجا آخر با خاک در آمیزم

چون کوه نشستم من با تاب و تب پنهان
صد زلزله برخیزد آنگاه که برخیزم

برخیزم و بگشایم بند از دل پر آتش
وین سیل گدازان را از سینه فروریزم

چون گریه گلو گیرد از ابر فرو بارم

چون خشم رخ افروزد در صاعقه آویزم

ای سایه ! سحرخیزان دلواپس خورشیدند زندان شب یلدا بگشایم و بگریزم

تاریکی و روشنایی دو جزء از یک مجموعه اند و غیر قابل تجزیه. تجزیه آن ها پارگی رشته حیات را بدنبال دارد. هر دو مقدسند و قابل احترام و شادی بخش و توانا برای تحولی دیالکتیکی به مانند تمام اضداد دیگر. باری، تا بحال ما از خورشید برون سخن گفتیم حال آن که لازمست به خورشید درون هم نگر کنیم. این خورشید درون در ژرفای تاریکی های پنهان ما در انتظار درخشیدن است. به عبارتی کشف **یلدای** درونی از میان تاریکی نهن خود "جام جم" ی است که بالندگی، زایش و درخشش ما را امکان پذیر می کند. هویت خود را کشف کردن، جزء ناخودآگاه آن را به حوزه آگاه تعالی بخشیدن بایسته تحول و انقلاب فردی و جمعی است.

سال ها دل طلب جام جم از ما میکرد

آن چه خود داشت ز بیگانه تمنا میکرد.....حافظ